

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انتخاب از: داکتر محمد کریم فارغی-استرالیا

۲۶ مارچ ۲۰۲۱



داکتر محمد کریم فارغی

مخمس بر غزل حافظ: اثری از گرامی یاد محمد امان فارغی

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نسیم صبح نوروزی چو در گلشن گذار آرد سحاب رحمت حق، زندگی در کشتزار آرد
تو هم سر شار لطفی شو که فصل کردگار آرد درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
نهال دشمنی بر کن که رنج بی شمار آرد
خوش آن روزی که درگلشن طرب، فصل بهار آرد نسیم مهر و الفت، موج فرحت در کنار آرد
دمی کاندردلت فصل بهاران، ذوق کار آرد درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
نهال دشمنی بر کن که رنج بی شمار آرد
خوشا ذوقی که مرغ زار را، در مرغزار آرد خوشا وقتی که دهقان را به سوی کشتزار آرد
چو باد صبح نوروزی، شمیم نوبهار آرد درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
نهال دشمنی بر کن که رنج بی شمار آرد
خوش آن روزی که درگلشن، گذار آن شهسوار آرد ز فیض مقدمش گل، آب ورنگی روی کار آرد
سرود شوق و شادی بلبل بیدل، هزار آرد درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
نهال دشمنی بر کن که رنج بی شمار آرد
برو قاصد! بگو با ساقی گلگون عذار ما بیا! در گردش آور جام در بزم و قطار ما
مکن پنهان رخ و زلف ز چشم اشکبار ما صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما

بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد
شده تا از رموز مهر و الفت با خبر حافظ به جز راه محبت کی رود راه دگر حافظ
ز بس چون فارغی عشق بتان دارد به سر حافظ درین باغ از خدا خواهد دگر پیرانه سر حافظ
که بنشیند لب جوئی و سروی در کنار آرد